

برخی از پیامدهای نظام ارز سه نرخی برای اقتصاد ایران مهدی رضائی، عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

روزنامه جوان

این روزها زمزمه سه نرخی کردن نرخ ارز به گوش می‌رسد. این سیاست بر اساس قیمت‌های متفاوت دلار برای گروه‌های مختلف کالائی است: قیمت هر دلار برای کالاهای اساسی ۱۱۲۶ تومان، برای کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای ۱۵۰۰ تومان و برای کالاهای لوکس، تقریباً ۱۹۰۰ تومان. پیشنهاد این نظام ارزی، برخی از انتقادات را به همراه داشته است که تا اندازه زیادی این انتقادات به حق است. نوشتار حاضر انتقادات موجود را تشریح کرده و سایر پیامدهای منفی این نظام ارزی را برای اقتصاد ایران بر می‌شمرد.

در ابتداء برای تشریح ساز و کار تاثیر سوء این نظام ارزی بر اقتصاد، لازم است تا به اختصار شرایط اقتصاد ایران توضیح داده شود.

الف- صادرات‌گرایی و خلاصی از صادرات تک‌کالائی از آرمانهای مهم اقتصاد ماست و تشویق صادرات غیرنفتی از زمان برنامه‌های توسعه گذشته، پیگیری می‌شود.

ب- رشد اقتصادی در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جایگاه ویژه‌ای دارد و رشد اقتصادی بیشتر، نیازمند تولید بیشتر بخش‌های مختلف اقتصاد است؛ گسترش فعالیتهای اقتصادی به معنای کاهش فاصله بین توان بالفعل تولید با توان بالقوه آن است.

ج- تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را نیز باید در نظر داشت. تحریم اقتصادی، صادرات و واردات را با اختلال مواجه می‌کند و این موضوع ضمن دشوار کردن اجرای نظام ارز سه نرخی در اقتصاد، پیامدهای سوء اجرای این سیاست را تشدید می‌کند.

در سالیان گذشته، نظام ارز چند نرخی در بسیاری از کشورها اجرا می‌شد و معدودی از کشورهای دنیا نیز از این سیاست استفاده می‌کنند. مهم‌ترین استدلال کنار گذاشتن این رژیم از سوی کشورهای دنیا، سفته‌بازی روی ارز از سوی سفته‌بازان می‌باشد که این موضوع به رانت ناشی از رژیم چند نرخی ارز نیز قابل تعبیر است. سفته‌بازی به طور کلی امری ناپسندیده نیست و آربیتراژهایی که در اقتصاد بین‌الملل اتفاق می‌افتد و امری رایج و روزمره نیز می‌باشد، موجب برابری قیمت‌ها در اقتصاد بین‌الملل می‌گردد؛ اما در رژیم ارزی، نظیر آنچه برای اقتصاد ایران پیشنهاد شده، سفته‌بازان به طرق مختلفی به ارز ارزان دست می‌یابند و آن را با قیمت بالاتر می‌فروشند و سفته‌بازی در این حالت،

ضمن اینکه اهداف مورد انتظار از این سیاست را مختل می‌کند، به عنوان یک شغل سودمند، سرمایه‌گذاری در فعالیتهای تولیدی را کاهش می‌دهد.

با توجه به تورم بالای اقتصاد ایران، افزایش نرخ ارز اسمی برای تشویق صادرات غیر نفتی لازم است. اگر نرخ ارز اسمی در سه نرخ مختلف تثبیت شود، اجرای سیاست ارزی برای تشویق صادرات غیرممکن خواهد بود. ممکن است درآمد صادراتی ایران به دلایل مختلفی نظیر افزایش تقاضای جهانی افزایش یابد. اگر این افزایش درآمدها ناشی از افزایش صادرات نفت باشد، افزایش عرضه ارز در اقتصاد از طریق سازوکار صندوق توسعه ملی می‌تواند سترون گردد و وارد چرخه اقتصاد ایران نگردد؛ اما این سوال مطرح می‌شود که ارز موجود در صندوق توسعه ملی با کدام نرخ می‌باید به پول ملی، ریال، تبدیل شود. اگر افزایش صادرات ناشی از افزایش صادرات غیرنفتی باشد که اتفاقاً این امر از آرمانهای برنامه‌های توسعه‌ای ما نیز می‌باشد، این مساله بروز می‌کند که صادرکننده با کدام قیمت، ارز خود را بفروشد. اگر به صادرکننده اجبار شود که ارز خود را کمتر از نرخ ارز بیشینه (نرخ ارز ۱۹۰۰ تومانی) بفروشد، این امر موجب دلسردی صادرکننده می‌گردد؛ در صورتی که صادرکننده برای تولید محصولات صادراتی خود نیازمند برخی از محصولات وارداتی باشد و ارز آنها را با قیمت بالائی تهیه کرده باشد، دلسردی صادرکننده برای تولید و صادرات، دو چندان خواهد شد.

اگر ارز از صادرکننده با بالاترین قیمت خریداری گردد و دولت خواهان آن باشد تا بخشی از این درآمدهای ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی را با قیمتی کمتر از بالاترین قیمت (با دلار ۱۱۲۶ تومانی و یا ۱۵۰۰ تومانی) در دسترس واردکننده قرار دهد، ناگزیر دولت می‌باید بخشی از قیمت ریالی دلار را خود پرداخت کند؛ در واقع دولت در این حالت می‌باید به واردکننده یارانه پرداخت کند. توجه گردد که سهم عمده‌ای از واردات ایران، کالاهای سرمایه و واسطه‌ای است و رسیدن به اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، نیازمند آن است که تامین اینگونه محصولات برای فعالیتهای تولیدی قطع نگردد و در نظام ارزی سه نرخ، پیشنهاد شده است تا دلار با قیمت ارزان‌تر در اختیار واردکننده برای تهیه اینگونه محصولات قرار گیرد. تحریم‌های اقتصادی می‌توانند صادرات نفت ایران را دچار اختلال کنند و ضمن آن، همیشه درآمدهای حاصل از نفت دارای نوسان بوده است؛ لذا پرداخت یارانه به واردکننده در این حالت بسیار مشکل می‌باشد. نکته بسیار مهم دیگر این است که در این حالت لازم است که دولت به‌طور مداوم دلار را تبدیل به ریال کند و این اتفاق در نهایت موجب افزایش پایه پولی بانک مرکزی و در نهایت تورم می‌گردد. تورم اشکالات زیادی را برای یک اقتصاد به همراه دارد؛ اما از دید توسعه صادرات، تورم در نهایت موجب تضعیف نرخ ارز حقیقی و کاهش صادرات و افزایش واردات می‌گردد؛ یعنی سیاستی که برای توسعه صادرات از طریق نظام ارزی سه نرخ در نظر گرفته شده بود، موجب تضعیف صادرات خواهد شد. تبدیل پی‌در پی دلار به ریال حتی می‌تواند اقتصاد را به

سمتی سوق دهد که واردات، حتی واردات کالاهای لوکس با نرخ ارز ۱۹۰۰ تومانی، با صرفه‌تر از تولید داخلی باشد.

علاوه بر موارد یاد شده، فساد بالقوه این سیاست را باید در نظر گرفت و جلوگیری از فساد، هزینه‌های بسیاری را به دولت تحمیل می‌کند. با توجه به تجربیات کشورهای مختلف و تجربیات ایران در دهه ۶۰ و دهه ۳۰ و همچنین شرایط فعلی اقتصاد ایران و اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، به نظر می‌رسد که اجرای این سیاست، مناسب نباشد.